

# شرق

## روزنامه

در آستانه میلاد پرسعدات امام رضا (ع) مراسم نقارنرزی در حرم مطهر رضوی برگزار شد. / عکس: محمد رجیبان، فارس



**نور نوشت**

### صاف و ساده

## در مسیر شدن

جایگاهی مانند حسنین هیکل نائل شود.

من قلم عباس عبدی و منش او را همیشه دوست داشتم. وقتی دانشجو بودم، زمانی که مطبوعات ایران هنوز از رخوت سنگین دوره هشت‌ساله جنگ بیرون نیامده بودند، سرمقاله‌هایش در روزنامه سلام، شور می‌آفرد و حرکت ایجاد می‌کرد. عبیدی، تحلیلگری برجسته و نویسنده‌ای قهار و صاحب‌سبک است که تراز روزنامه‌نگاری در ایران را در سال‌های اخیر ارتقا داده، گرچه پرکار است و هر روز یادداشت می‌نویسد؛ اما نکته‌هایش همیشه بدیع و جذاب است و ذهن ساختارمند و هوش و خلاقیت او، تحسین برمی‌انگیزد. چند روز پیش، در یک دوره‌ی‌مسی چند هزارنفره در کلاب‌هاوس، تحلیل جامع و جذابی از انتخابات ارائه کرد و باز نشان داد که به مرحله بالاتری از پختگی و صاحب‌نظری رسیده و امید که این مسیر صعودی همچنان ادامه داشته باشد.

عباس عبدی، زندگی پرفرازونشیبی داشته است. معمولاً او را با ماجرای حمله به سفارت ایالات متحده در تهران و تصرف آن تعریف می‌کنند. به نظر باید حساب آن جوان دانشجوی پرشور روزهای پراشتاب پاییز ۵۸ را با این عاقل‌مرد محقق، مفسر و صاحب تحلیل، جدا کرد. امروز عبدی، پژوهشگری متبحر، جامعه‌شناسی مسلط و روزنامه‌نگاری موفق است که بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور به‌خوبی تأثیر می‌گذارد.

قلم پخته و نظم ساختاری در یادداشت‌هایش، حاصل پیشینه مهندسی اوست. عبدی دانش‌آموخته پلی‌تکنیک تهران است و مهندسانی‌که وارد علوم انسانی می‌شوند، غالباً نگاه دقیق و منظم به پدیده‌های اجتماعی دارند و نکته‌سنج هستند. مهندس عبدی جزء اولین کسانی است که کار با نرم‌افزارهای علوم اجتماعی را یاد گرفت و از سال ۶۴ با spss پژوهش می‌کرد و آن را در دانشگاه تهران و دانشگاه امام صادق (ع) درس می‌داد. سوابق فعالیت عباس عبدی در نهاد های بالادستی از جمله بخش اطلاعات خارجی دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری، دفتر پژوهش‌های اجتماعی در معاونت سیاسی دادستانی کل کشور و معاونت فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری، دید کلان‌نگر در تحلیل به او داده و البته چند دوره زندان سخت هم قلمش را تا حدی محتاط، سالم‌تجو و البته واقع‌بین کرده است.

عبدی در سال ۷۳ زمانی که سردبیر سلام بود، به بهانه چاپ خبر بیماری آیت‌الله منتظری دستگیر و



**قادر باستانی**  
**پژوهشگر ارتباطات و رسانه**

هفته پیش، انجمن روزنامه‌نگاران تهران، سراسری شد و هیئت‌مدیره جدید استقرار یافتند. دست‌میزاد به عباس عبدی که در سه سال گذشته، با همکاری یک جمع صمیمی، توانست این نهاد مدنی را به‌خوبی سامان دهد و آن را به مدار درست خود بازگرداند. صد سال از تشکیل اولین سندیکای روزنامه‌نگاران ایران گذشته و در این مدت، تحولات تلخ زیادی به خود دیده که اغلب برخورد و توقیف و تعطیلی بوده است. اکنون توجه سندیکا از مجادلات سیاسی به معیشت روزنامه‌نگاران و زندگی و مشکلات آنها معطوف شده که بایست این موفقیت، باید به مهندس عبدی تبریک گفت و برای حسن نمکدوست و کامبیز نوروزی و یاران جدید که سکان سندیکا را به دست گرفتند، آرزوی تداوم توفیقات کرد.

البته بحث من سندیکا نیست و موضوع دیگری است. یادم هست در اوایل دهه ۷۰ در کلاس‌های روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه، استادانی مانند حسین قندی و نعیم بدیعی، همیشه افسوس می‌خوردند که ایران ما با این‌همه سابقه روزنامه‌نویسی، چرا افراد شاخصی مثل حسنین هیکل یا اوربانا فالاجی نندارد؟ چه دلیلی باعث شده نویسندگان مطبوعات ما نتوانند به چنین موقعیت‌هایی دست پیدا کنند؟ حسنین هیکل، مشهورترین و تأثیرگذارترین روزنامه‌نگار جهان عرب و تحلیلگر روزنامه الاهرام مصر، برای سال‌ها مهم‌ترین و بانفوذترین مفسر، به‌ویژه در دوران پرتحول جمال عبدالناصر بود. اوربانا فالاجی هم روزنامه‌نگار و نویسنده برجسته ایتالیایی است.

شاید جواب‌دادن به این سؤال چندان سخت نباشد؛ اما حسرت و البته امید به تحقق و بالیدن چنین شخصیتی در عالم روزنامه‌نگاری ایران، هنوز باقی است. در دوران معاصر، ما روزنامه‌نگاران موفقی مانند مسعود بهنود، فریدون صدیقی، محمد بلوری، علیرضا نوری‌زاده، حسین شریعتمداری، کیومرث صابری، یونس شکرخواه، علی دهباشی، عباس سلیمی‌نمین، ماشاءالله شمس‌الواعظین، احمد توکلی، بهروز بهزادی، محمد قوچانی، احمد غلامی، امیر محبیان، ابراهیم نبوی و خیلی‌های دیگر داشته‌ایم؛ اما هنوز کسی نتوانسته به

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱ تیر ۱۴۰۰ • ۱۱ ذی‌القعده ۱۴۴۲ • ۲۲ ژوئن ۲۰۲۱  
سال هجدهم • شماره ۴۰۲۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۲۰:۴۵  
اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

fardashargh@gmail.com

### روزنامه‌روا

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱ تیر ۱۴۰۰ • ۱۱ ذی‌القعده ۱۴۴۲ • ۲۲ ژوئن ۲۰۲۱  
سال هجدهم • شماره ۴۰۲۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۲۰:۴۵  
اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

fardashargh@gmail.com

### فریدون مجلسی



ساتور برتی سنדרز در یادداشتی که برای قارن افرز نوشته به سردمداران سیاسی در واشنگتن نسبت به تعیین چین به‌عنوان یک «تهدید وجودی» برای ایالات متحده هشدار داد و گفت جنگ سرد جدیدی با چین به راه نیندازند. بحران‌های چین و آمریکا در دوران دونالد ترامپ به اوج خود رسیده بود و گویا میراث آن به دولت جو بایدن هم رسیده؛ مسئله‌ای که به یکی از نگرانی‌های سنדרز تبدیل شده است. نباید فراموش کنیم که سنדרز در یک سیاست‌مدار کاملاً واقع‌بین است، در شرایط بهتری می‌توانست خودش ریاست دولت ایالات متحده را در این دوره برعهده داشته باشد و نقش مؤثری در مناسبات بین‌المللی ایفا کند. برای همین تلاش می‌کند حالا همین نگاه واقع‌بینانه خود را برای حل‌وفصل مسائل ایالات متحده به سیاست‌مداران آمریکایی هم گوشزد کند. از این نظر می‌گویم نگاه سنדרز به مسائل واقع‌بینانه است؛ چراکه او مسئله جنگ سرد را در قالب یک نگاره رئالیستی و تاریخی می‌نگرد. جنگ سردی که میان غرب و شرق بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد شد، به دلیل ایدئولوژیک رژیم‌های کمونیستی در شوروی و چین پدید آمده بود؛ چراکه این دولت‌های کمونیستی براساس توهمات ایدئولوژیک خودشان فکر می‌کردند خوشبختی برای مردم جهان وقتی حاصل می‌شود که کشورها به بلوک آنها بپیوندند و زیر پرچم آنها قرار بگیرند. ما فراموش نمی‌کنیم که شوروی تنها دو سال پس از تأسیس و وقتی هنوز درگیر جنگ داخلی بود، نیروهایش را در بندر انزلی پیاده کرد و به آستارا حمله کرد تا بتوانند در شمال ایران قدرت خودشان را حاکم کنند و نفوذی را که در دوره قاجار به صورت پنهانی داشتند، به صورت آشکارا پدید بیاورند. اما بعد از جنگ جهانی دوم دیدیم که جنگ سرد میان دولت‌های شرق و غرب به صورت یک واقعیت پدیدار شد. تلاش‌های سلطه‌جویانه کشورهای کمونیستی در دنیا بعد از جنگ جهانی دوم بحران‌هایی را ایجاد کرد. در ایران منجر به رویدادهایی در آذربایجان شده بود؛ اما در آمریکا این تلاش‌ها با واکنش‌های افراطی همراه بود. هم در قبال سیاست‌های شوروی و هم اینکه سیاست‌های سیاست‌مداران آمریکایی در سنججه تقابل آنها با شوروی سنجیده می‌شد و عمر دولت‌ها بسته به میزان تقابل‌شان با بلوک شرق بود. بعد از دستیابی استالین به بمب اتمی این واکنش‌ها در آمریکا شدیدتر شد. تقابل‌ها با چین هم در چنین وضعیتی بود. هر دو کشور در شرایط فقر و فلاکت ملت‌شان درآمدهای دولت‌شان را صرف درگیری و توسعه‌طلبی و ماجراجویی‌های جهانی می‌کردند. همین مسئله هم موجب از پای درآمدن‌شان شد. در چین این شانس را داشتند که در داخل اصلاح‌طلبی ضد رادیکالیسم موفق شد چین

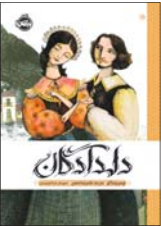
## آمریکا از چه چیزی می‌ترسد؟

را از درون اصلاح کند. دنگ شیائوپینگ اصلاً توانست چین را از عملیات بیرون‌مرزی بازدارد و همین مسئله مهم‌ترین دلیل توسعه و پیشرفت چین شد. درحالی‌که شوروی تا روزهای فروپاشی تلاش می‌کرد در خارج از مرزهایش سلطه‌جویی کند. جنگ ویتنام کمر اقتصاد شوروی را شکست و در افغانستان آنها در دام جنگ فرسایشی افتادند و تا فروپاشی اقتصادی پیش رفتند. اما آیا چین فعلی نسبتی با چین ایدئولوژیک دوران جنگ سرد دارد که حالا جنگ سرد جدیدی علیه‌اش اتفاق بیفتد؟ چین دنیای مدرن که به اقتصاد، تجارت، علم و توسعه تدریجی اجتماعی پایبند است، چگونه می‌تواند تهدیدی برای آمریکا باشد؟ این بهانه‌جویی‌ها علیه چین از زمان ترامپ ایجاد شده بود و به نظر می‌رسد میراثش به این دولت هم رسیده است. آمریکا در دنیا ۸۰۰ پایگاه نظامی دارد که این تعداد پایگاه‌های نظامی محل انتقاد سنדרز است. او معتقد است آمریکا در حال عقب‌ماندن از هم‌وندان غربی خودش است و یکی از دلایل آن هزینه‌های زیاد نظامی این کشور در سرتاسر دنیاست. بودجه‌ای که می‌تواند صرف توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر آمریکا شود؛ ولی در سرتاسر دنیا در حال خرج شدن است. سنדרز معتقد است که آمریکا باید از نظر قدرت اقتصادی و علمی برتری خودش را حفظ کند؛ نه توسعه نظامی در سرتاسر دنیا. این واقعیتی انکارناپذیر است که چین با تبدیل‌شدن به بزرگ‌ترین صادرکننده دنیا این دلیل پنهان تجاری را به ترامپ داد تا نبردش را علیه این کشور آغاز کند. توسعه همه‌جانبه چین و فتح بازار به بازار این کشور موجب شده تا آمریکا و دولت‌های غربی خودشان را شکست‌خوردگان بازار تجاری چین بدانند و این شکست در بازار تجاری است که به دست‌وپا بیفتند و تلاش کنند با جلوگیری از توسعه اقتصادی چین برای خودشان موقعیتی فراهم کنند. در این ماجرا آمریکا متکی به منابع داخلی خودش است؛ چیزی که اروپا از آن برخوردار نیست. به نظر می‌رسد دسترسی کشورها به منابع اولیه هم حلالا به بخش مهمی از این تقابل تبدیل شده است. موضوع اصلی که چین را به مقاومت وامی‌دارد، این است که چین هم با کمبود منابع مواجه شده و تلاش می‌کند منابعی را در پاکستان، ایران و آفریقا از آن خود کند. چنین رفتارهای جدیدی از این قدرت بزرگ اقتصادی دنیا از سوی آمریکا پذیرفتنی نیست و آن را به موضوعی جدید در اختلاف‌ها و مناقشات دو دولت تبدیل کرده است. رقابت برخاستن غربی‌ها در عرصه فراسرزمنی در برابر چین مستلزم این است که تحت شرایط بهتری خریدار منابع کشورها باشند و در این عرصه می‌توانند با چین رقابت کنند و اگر توانایی‌اش را داشته باشند، بر آن فائق آیند؛ اما با جلوگیری و ایجاد مزاحمت نظامی هرگز قادر نخواهند بود جلوی چین را بگیرند؛ چون چین از مرزهایی عبور کرده که دیگر مقابله با آن با روش‌های قدیمی امکان‌پذیر نیست. در واقع سنדרز معتقد است این‌گونه مبارزه تخریبی با چین به جز هزینه بیشتر و باخت نهایی برای آمریکا چیزی نخواهد داشت.

### پیشخوان

## قصه دلدادگی به روایت اومبر تو اکو

نشر برتقال نسخه بازنویسی شده اومبرتو اکو از داستان معروف «دل‌دادگان» اثر شاعر معروف ایتالیایی الساندرو مانزونو را با ترجمه‌ای از غلامرضا امامی، با شمارگان هزار نسخه، ۱۰۰ صفحه و بهای ۴۹ هزار تومان منتشر کرد. تصویرگری مارکو لورنزی برای ترجمه فارسی کتاب نیز حفظ شده است. داستان اصلی به قلم الساندرو مانزونو شاعر و نویسنده شهیر ایتالیایی (۱۸۷۳-۱۷۸۵م)، نگارش این داستان دو قرن پیش (۱۸۲۱م)، آغاز و پس از ۲۰ سال به پایان رسیده است. این داستان که یکی از نخستین داستان‌های بلند ادبیات ایتالیایی است و بر نویسندگان پس از مانزونو بسیار تأثیرگذار بود، قصه دو دهقان زاده را روایت می‌کند که در زمان اشغال استان لومباردیا در شمال ایتالیا توسط اسپانیایی‌ها در قرن هفدهم میلادی و دوره جنگ‌های ۳۰ساله، قصد ازدواج دارند اما بدخواهی یکی از اشراف شهر، ایشان را مجبور به فرار و سفر در ایتالایی درگیر جنگ و قحطی و

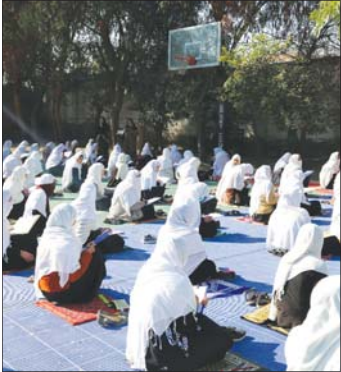


یورنوبوز: شارلوت اسلتنه، دبیرکل شورای پناهندگان دانمارک. در بیانیه‌ای لایحه مهاجرستیزانه و «ضدحقوق بشری» پارلمان این کشور را غیرمسنولانه و با همبستگی‌های بشری بی‌ارتباط دانست. پارلمان دانمارک قانونی را تصویب کرد که به این کشور اسکاندیناوی امکان می‌دهد پناه‌جویان را به کشورهای خارج از مرزهای اروپا یا کشور مبدأ منتقل کند.

### تجربه دیگران

## فرستی که از دختران گرفته می‌شود

• روزنامه هشت صبح که به تازگی به عنوان یکی از روزنامه‌ها به کارزار «برابری جنسیتی» پیوسته است، مقاله‌ای درباره روند رفع ممنوعیت ترانه‌خوانی دختران افغان نوشته است که در آن چاله‌های متعددی را که مسیر آموزش دختران و مسیر سختی که دست‌اندرکاران موسیقی پیموده‌اند، مورد توجه قرار داده و ارزیابی کرده است. آن هم در روزگاری که هر روز خبری از کشته‌شدن مجریان و روزنامه‌نگاران زن در افغانستان منتشر می‌شود و نشان از حساس بودن شرایط این کشور دارد. در این مقاله آمده است: «جنگ طولانی‌مدت در افغانستان، پیکر آموزش را شکننده کرده است. از یک سو جنگ بر سر قدرت سبب سیاست‌زدگی معارف شده و از سوی دیگر، افراطیت مذهبی در این کشور اسلامی باعث شده است که حلقاتی به دنبال ایدئولوژیک‌سازی نظام آموزشی باشند. از نظر سیاسی، افغانستان طرفدار آموزش دختران است؛ اما از حیث فرهنگی، محدودیت‌هایی برای رفتن دختران به مکتب در مناطق خاصی وجود دارد. هرچند قانون اساسی افغانستان بر برابری جنسیتی تأکید دارد؛ اما در عمل کاستی‌های جدی را شاهدیم. نجیبه آزین، سخنگوی وزارت معارف افغانستان به هشت صبح می‌گوید که در حال حاضر ۹.۷ میلیون شاگرد در کشور وجود دارند که ۴۲ درصد آنها را دختران تشکیل می‌دهند. همچنین، از ۳.۷ میلیون کودک بیرون از مکتب، قریب به ۶۰ درصدش دختران هستند. آراین تأکید می‌کند که دختران در ولایات جنوبی و شرقی بیشتر از حق آموزش محروم هستند. علت این محرومیت، در کنار نامنی، رسم و رواج‌های قبیله‌ای و عنعنوی است. قبیله‌ای به این معنا که بیشتر مناطقی که توسط طالبان کنترل



می‌شود، به یک قوم خاص تعلق دارد. طالبان موافق رفتن دختران به مکتب نیستند. رویکرد طالبان در مناطق تحت کنترل‌شان گویای این است که هرگز این گروه تغییر نکرده است. حتی اگر والدین بخواهند، طالبان اجازه نمی‌دهند دختران به مکتب بروند. با وجود اعمار مکاتب ۲۰ سال گذشته، طالبان تعدادی از این مکاتب را ویران کرده‌اند. راه دشوار زنان افغان به عنوان ۵۰ درصد نفوس جمعیت کشور، منجر به کسب تجارب و دادخواهی‌های موفقی شده است. مکاتب افغانستان در بسیاری از ولایات در سه ماه زمستان تعطیل است؛ زیرا ساختمان مکاتب بسیار فرسوده و سرد است. از سوی دیگر مثلاً در هوای ۴۰ درجه، لنگرهارد، دختران با لباس بلند و چادری که حتی صورت‌شان را پوشانیده بود، برای درس‌خواندن به مدرسه می‌آمدند. اما امروز کارزار «ترانه‌خوانی معارف»، یک نمونه موفق تغییر جنسیتی آغاز شده است. در تابستان ۹۹ کارزاری آغاز شد که با اعتراض زنان روبه‌رو شد. در این دستور گفته شده بود که ترانه‌خوانی دانش‌آموزان دختر بالاتر از ۱۲ سال در محافل عمومی و مردانه ممنوع است. این طرح با انتقاد جدی مواجه شد و کنشگران اجتماعی و مدنی «کارزار ترانه‌خوانی معارف» را راه‌اندازی کردند. اعتراض به شکل آنلاین و در فضای مجازی بود. غیر از یک مورد، به دلیل همه‌گیری کرونا، گردهمایی دیگری برگزار نشد. کارزاری خودجوش که هیچ‌کسی نمی‌تواند ادعای رهبری آن را کند. بیش از صد زن با خواندن ترانه‌های کودکي خود مقابل دوربین و انتشار آن در فضای مجازی، در این کارزار شرکت کردند. حمایت عمومی از این کارزار گسترده بود و بازتاب طولانی داشت.»

### اتفاق



**آی‌آمی‌دی**: ویلیام شاتنر، بازیگر کانادایی است که بیش از همه به خاطر ایفای نقش «کاپیتان کرک» در مجموعه «پیش‌تازان فضا» به شهرت جهانی رسید. از او هولوگرامی تهیه می‌شود که می‌توان پس از مرگ این هنرمند هم با آن صحبت کرد. هوش مصنوعی براساس پاسخ‌های او در زمان حیات به سؤال کاربران جواب خواهد داد.



**دوبچه وله**: چهار هفته جست‌وجو از زمین و آسمان برای پیداکردن محل اختفای مربی تیراندازی ارتش بلژیک با پییادشدن جسد او و احتمال خودکشی با صرف هزینه ۷۰۰ هزاریورویی پایان گرفت. این مرد که به رمبوی بلژیک معروف است، به دلیل دسترسی نظامی‌اش به یک زرادخانه در لیست امنیتی بلژیک قرار داشت.



**بی‌بی‌سی**: میلیکا سینگ، ورزشکار اسطوره‌ای هندی در ۹۱سالگی درگذشت. این دودنه به خاطر سرعت زیادش به «سیک پرنده» شهرت داشت. زندگی او به‌عنوان یک پناهنده، توجه خیلی‌ها را جلب کرد. او طوای رقابت‌های آسیایی را در کارنامه خود داشت و در سه المپیک ملبورن، رم و توکیو حاضر بود.



**بی‌بی‌سی**: یک تحقیق جدید نشان می‌دهد که کوش‌دادن به ساخته‌های موتسارت، موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز اتریشی باعث کاهش فعالیت صرعی در مغز می‌شود. گروهی از محققان در جمهوری چک می‌گویند ظاهراً این‌ تغییر بیشتر به ریتم، پویایی و لحن این موسیقی مربوط می‌شود تا به تأثیرات احساسی آن.